

چگونه نقشه ایران به شمایل گربه در آمد؟



فرشاد فریادبور

برای هر ملت و کشوری پاره شدن بخشی از سرزمینش همیشه دردناک و دیرهضم و بدون تردید غیرقابل بخشش است. ایرانیان نیز از این اصل دور نیستند. ایرانیان شهره آند به اینکه هیچگاه کشورها و اقوام مهاجمی که منجر به تجزیه و پاره پاره شدن ایران شده اند را نبخشیده و از آنان با واژه های ویژه یاد کردند. از این دسته می توان به صفت اسکندر مقدونی اشاره کرد که از او با عنوان آسکندر گجسته یاد می شود.

روس ها، انگلیسی ها، اعراب و اقوامی دیگر نیز کمابیش دست به اقداماتی زده اند که در تاریخ ایران صفحه ای زرین و درخشان به نام شان درج نشده است. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که تجزیه از اساس عملی مدرن و جدید است و عمر آن شاید به حدود دو قرن قبل برسد. مراد از تجزیه آن دسته از اقدامات جغرافیایی است که موجب ایجاد کشوری جدید و در نتیجه جلوگیری از بازپس گرفتن سرزمین های جدا شده توسط سرزمین مادر می شود. این ممانعت ها در تاریخ معاصر بیشتر از جانب کشورهایی استعماری همچون روسیه و انگلیس و فرانسه صورت گرفته است. اما ایرانیان در تاریخ معاصر خود بیشتر با روسیه و انگلیس روبرو بودند. اکنون در این مجال اندک اشاره ای خواهیم کرد به منبعی برای شناخت جریان های تجزیه ایران. این منبع جدید چکیده تاریخ تجزیه ایران نام دارد و از سوی دکتر هوشنگ طالع تدوین یافته است.

اما علاوه بر این نگفته نباید گذاشت که دکتر هوشنگ طالع نویسنده و پژوهشگری است پرکار. او به مسائل ملی و میهنی توجه ای ویژه دارد. ایران کانون توجه و نظر پرگار توجه اوست. او در کتابی پنج جلدی سیر تجزیه ایران را مورد بررسی قرار داد. این کتاب ها هر یک عنوانی دارند و به

تجزیه بخشی از ایران اختصاص یافته اند؛ تلاش نافرجام برای تجزیه آذربایجان، تجزیه بحرین، کردستان و میان رودان، تجزیه قفقاز و افغانستان، بلوچستان، سیستان، خوارزم و فرارود عناوین این پنج کتاب است و آنچه به عنوان چکیده تاریخ تجزیه ایران مورد اشاره قرار گرفته در واقع چکیده این پنج جلد است. می توان تاریخ ایران از ابتدا تا زمان سقوط صفویه و استوار شدن محمود غلجایی یا همان محمود افغان را تاریخ قدیم خواند که تا آن زمان سرزمینی گرفته می شد و دوباره باز پس داده می شد. سرزمین ها در کشاکش بین اقوام و ملت های مختلف دست به دست می شد و این دست به دست شدن هنوز مفهوم مدرن 'تجزیه' نیافته بود. اما از این زمان به بعد است که با مجوز محمود افغان به پترکیبر برای سرکوب سرزمین لژی ها و خبیوه حضور یک امپراتوری سرسخت و قدرتمند در ایران رسمی شد اگر این مجوز را

با اختلافی حدود چند ماه در سال ۱۷۲۲ بدانیم، حضور روس ها در ایران برای مدت ۲۲۵ سال تا ۱۹۴۷ به طور مستقیم ادامه داشت.

در طول این دوره روس ها بارها و بارها به سرزمین های ایران هجوم آوردند. اگر بخواهیم تنها یکی از عملکردهای دهمشانه روس ها را نشان دهیم بدون تردید از انجام آن عاجز خواهیم بود چرا که روس ها ده ها عمل وحشیانه و خیانت بار علیه ملت و سرزمین ایران انجام دادند؛ از این رو انگشت گذاشتن روی یکی از آنها کار آسانی نیست. جدا کردن دوسوم سرزمین های ایران، تحمیل دو عهدنامه تنگین گلستان و ترکمانچای، اولتیماتوم برای اخراج مورگان شوستر، به توپ بستن مجلس شورای ملی تحت فرماندهی لیاخوف، بنیاد گذاشتن بانک استقراضی، اعدام آزادی خواهان در رشت و تبریز و تهران و... برکشیدن فرقه دموکرات آذربایجان و بنیاد گذاشتن

جمهوری آذربایجان، سرکوب قیام جنگل، اشغال شمال ایران در زمان

چگونه نقشه ایران

جنگ جهانی دوم و ده ها مورد دیگر از جمله عملکردهای نامناسب آن دولت است. شاید از آخرین موارد این نیز بتوان به اشغال غیرقانونی پارک اتابک در تهران به عنوان محل سفارتخانه خود و اشغال بنایی در اصفهان به عنوان محل کنسولگری دولت روسیه اشاره کرد.

اما این فقط روس ها نبودند که در ایران دست به چنین اقداماتی می زدند. در غارت شرق روس ها یار و رقیبی هم داشتند که از شمال اروپا آمده بودند و آن دولت بریتانیای کبیر نام داشت.

هوشنگ طالع در کتاب چکیده تاریخ تجزیه به روندهایی اشاره می کند که تجزیه های متعدد و کوچک شدن سرزمین ایران را به دنبال داشت. اولین قسمت کتاب ۱۲ بخشی هوشنگ طالع به شکل گیری تجاوز سازمان یافته در راستای تجزیه سرزمین های ایرانی نشین می پردازد و آخرین بخش به مساله جدایی بحرین از ایران اختصاص دارد.

در بخش دوم، تجزیه ایران یا روی کار آمدن فتحعلی شاه آغاز می شود. به نظر نویسنده فتحعلی شاه فردی مقتدر و کاردان بود. اما زمام امور به علت خیانت برخی و نیز هم پیمانی فرانسه و روسیه از دست رفت. در آغاز پادشاهی فتحعلی شاه طی سه سال روس ها در جنگ ها و زدوخوردهای پی در پی هیچ پیروزی ای کسب نکرده بودند. اما دنبال کردن اشغال ایران در عین شکست های پی در پی نشان از آن دارد که روس ها طمع ورزی شدیدی به سرزمین های شمالی ایران داشتند و حاضر نبودند به هیچ عنوان از این منطقه چشم پوشی کنند. کتاب در واقع این مساله را به ترتیب تاریخ موشکافی می کند. روشی که هوشنگ طالع در تدوین

کتاب اختیار کرده، پیش رفتن با تاریخ است. او لحظه به لحظه با تاریخ جلو می رود و هر جا که خیانت و موردی را می یابد به موشکافی آن می پردازد.

از این رو خواننده به خوبی می تواند با خواندن این کتاب ضمن اینکه با تاریخ ایران به خوبی آشنا شود پاره ای از عملکردهای نادرستی را که موجب جدایی بخش هایی از سرزمین بزرگ ایران شد، ردیابی کند. به عنوان نمونه در بخش دوم چنین می خوانیم: 'با کشته شدن آقا محمدخان در یازدهم خردادماه ۱۱۷۶ آثار هرج و مرج در سرزمین پهنای ایران پیدا شد... خان باباخان... والی ایالت فارس... در نوروز ۱۱۷۷ به نام فتحعلی شاه در تهران تاجگذاری کرد... روس ها که از قتل آقا محمدخان تشییع شده بودند به تقلیس یورش برد... با شدت هرچه تمام تر دست به قتل و غارت مردم و نابودی سازمان های موجود در گرجستان زدند... روس ها به دنبال تیردهای شدید شهر گنجه را تصرف کردند... در بهمن ماه ۱۱۸۲ ارتش عباس میرزا ولیعهد، نیروهای روسیه را نزدیکی سه کلیسا (اچمیازین) به شدت در هم گویند.

پیش رفتن با رخدادها ویژگی منحصره فردی به کاری داده است که هوشنگ طالع در پی تدوین آن است. از این رو خواندن کتاب چکیده تاریخ تجزیه ایران هم جذاب است و هم دردناک. دردناک از این جهت که ایران همیشه در همیشه تاریخ خود گرفتار یک اگر بوده است. به عنوان نمونه اگر آن کس در آن شب هولناک خنجر در پهلوی آقا محمدخان فرو نمی کرد، تاریخ ایران مسیری دیگر را می پیمود. تا آنجا که هوشنگ طالع می نویسد، راستی را که آنها آقا محمدخان را نکشتند بلکه همان سان که او گفت: ایران را کشتند به دنبال کشته شدن آقا محمدخان قاجار، دوران تجزیه آغاز گردید و ایران پاره پاره شد. نخست، سرزمین قفقاز، سپس افغانستان. آن گاه مکران و بلوچستان و فرارود و...

<p>گاهی چنان به یکدیگر کمک می‌کردند که هیچ نشانی از رقابت در آن مشاهده نمی‌شد. نمونه آن را باز می‌توان در همین مساله جنگ‌های ایران و روسیه دید. دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه در حالی رو به اتمام بود که عباس میرزا در عین اینکه از قدرتی نسبی برخوردار شد اما دل به جنگ نداده و گاهی در فرماندهی کوتاهی‌هایی می‌کرد. از این رو تمایل داشت هر چه زودتر جنگ خاتمه یافته و نیرویش را در مسیر دیگری بر عهده بگیرد. شاید او تمایل داشت با توسعه و پیشرفت ایران، در فرصتی دیگر سرزمین‌های قفقاز را دوباره به ایران وصل کند. این روش در ابتدا برای فتحعلی‌شاه قابل قبول نبود.</p>	<p>استحکامات و تجهیزات هرچه بیشتر عشایر و حفظ روحیه خیزش و قیام در میان مردم قفقاز، آمادگی رزمی را برای رویارویی با تجاوز روسیان افزایش دهد، دست روی دست گذارد تا روس‌ها با تجدیدقوا، دوباره قفقاز را تصرف کنند... عباس میرزا دیگر دل به جنگ نمی‌داد و مایل بود که هرچه زودتر به این جنگ‌ها پایان دهد. اما تاریخ ایران تاریخ عجیبی است. سرزمینی است تاریخی که در آن رخدادهایی دیده می‌شود که شاید در کمتر جایی به چشم بخورد. چنانچه ما روسیه و انگلیس را همیشه به‌عنوان دو قدرت بزرگ و رقیب می‌شناسیم. اما این دو قدرت در داخل سرزمین ایران</p>	<p>روز چهارم تیرماه ۱۲۰۵ ارتش عباس میرزا منطقه اشغالی تالش و لنکران را آزاد کرد. همزمان به اشغال مناطق گوگچای و بالغ لو پایان داده شد و قلعه شیشه به محاصره درآمد... روسیان از تاخیر عباس میرزا در تصرف قلعه شیشه بهره‌جسته و با تجهیز یک نیروی پنجاه هزار نفری دوباره به قفقاز یورش بردند... بنا به دلایلی که هنوز از سوی تاریخ‌نگاران روشن نشده است در این مرحله عباس میرزا دلبستگی به جنگ از خود نشان نمی‌داد و به جای آنکه با تصرف قلعه شیشه که نیرومندترین دژ جنگی قفقاز بود، ارتش ایران را از یورش احتمالی روس‌ها در امان دارد و همزمان با ایجاد</p>	<p>جنگ‌های ایران و روسیه بخش مهم و گسترده کتاب را تشکیل می‌دهد. این جنگ‌ها که سال‌های سال به طول انجامید و نتیجه آن جدا شدن بخش بزرگی از سرزمین‌های شمال ایران بود از دیدگاه هوشنگ طالع نیز پنهان نمانده و در کتاب او بخش محوری و پراهمیت را تشکیل می‌دهند. هوشنگ طالع در واقع رشته‌ای از تاریخ را با موضوعی روشن و دقیق دنبال می‌کند. در این رهگذار گاهی آنچه را تاکنون در مورد تاریخ می‌دانستیم نیز زیر سوال می‌برد. روش انتقادی او باورهای ما را به نقد می‌کشد از این رو به دقتی تر دیدن و درست‌تر قضاوت کردن ما کمک بسیاری می‌کند.</p>
--	---	--	--

<p>روس‌ها، تنها به دولت بریتانیا متکی گردد. انگلیس‌ها با تیرنگ، تطمیع و تهدید اطرافیان فتحعلی‌شاه و بی‌میلی ولیعهد به ادامه جنگ، وی را از میان راه مجبور به بازگشت کردند.</p>	<p>از آن ایرانیان خواهد بود. از این رو، سخت به تکاپو افتادند. دولت انگلستان در پی آن بود که ایران را تضعیف کند تا نتواند خطر جدی برای هندوستان به حساب آید و همچنین در اثر شکست از</p>	<p>شمال حرکت کرد. در این لحظه بار دیگر انگلیس‌ها وارد صحنه شدند. وزیر مختار کشور مزبور می‌دانست که در صورت حضور فتحعلی‌شاه در رأس ارتش ایران در صحنه‌های جنگ، پیروزی</p>	<p>از این رو وقتی متوجه شد عباس میرزا در حال صلح با روسیه و قبول منضم شدن بخش وسیعی از کشور به خاک روسیه است دستور جمع آوری ارتش داده و خود در فرماندهی آن قرار گرفته و به سمت</p>
---	--	--	--